

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

فتح قدس خون بهای رهبر شهید است؟

شهادت آیت الله سید علی خامنه‌ای در روز نخست جنگ رمضان، در آغاز گفتمان خون‌خواهی را به یکی از اصلی‌ترین مطالبات افکار عمومی تبدیل کرد، اما باگذشت زمان و به‌ویژه پس از برقراری آتش‌بس، این ادبیات به تدریج از مواضع رسمی فاصله گرفت؛ با این حال، مطالبه گسترده مردم، سخنان صریح سید علی خمینی و سپس تأکید آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، بر قطعی بودن انتقام، بار دیگر خون‌خواهی را به یکی از محورهای اصلی ادبیات سیاسی کشور تبدیل کرد.

۲



بازگشت به سنت ساده لوحی

همزمان با تلاش آمریکا برای به رسمیت شناختن کریدور میانی، غرب‌گرایان داخلی مشغول تئوریزه کردن این ادعا هستند که نباید بر کنترل تنگه هرمز اصرار ورزید.



مرگ ناگهانی سناتور ضد ایرانی

۶

خسارت محض تعطیلی مجلس

۳



دیپلماسی روی ابرها

علیرضا تسلیمی
روزنامه‌نگار

ترامپ هفته گذشته، نه با بیانیه و نامه، بلکه با عمل، آن تفاهم‌نامه را پاره کرد. دشمنی که نه تنها آن متن را زیر پا گذاشت، بلکه در ۱۷ و ۱۸ تیرماه با گسیل آتش به مرزهای ما، پیامی فراتر از هرگونه دیپلماسی مخابره کرد، اکنون در جایگاه فاتح میدان خودساخته‌اش نشسته است. در چنین وضعیتی، سخن گفتن مقامات وزارت خارجه از «نقض تعهدات» و هشدار دادن به طرفی که اساساً بازی را برهم زده، نه تنها مضحک است، بلکه نشان دهنده یک شکاف عمیق میان تحلیل‌های پشت‌میزنشینیان با واقعیت‌های کف خیابان است.

متن کامل در صفحه ۷

صفحه ۴

اقتصادی

دود اختلاف کروزو سایپا در چشم مردم

تجمع دو روز گذشته مشتریان سایپا مقابل مرکز امور مشتریان این شرکت، تصویری از بحرانی است که ماه‌هاست در سکوت پارکینگ‌های مملو از خودروهای ناقص شکل گرفته و حالا به خیابان رسیده است.

صفحه ۵

اقتصادی

احتمال کاهش تولید گوشت

با وجود نزدیک شدن به خودکفایی در تولید گوشت و ظرفیت بالای صنعت مرغداری، فعالان این حوزه از زیان گسترده تولیدکنندگان، کمبود نقدینگی و ضعف نظام توزیع هشدار می‌دهند؛ شرایطی که در صورت تداوم، می‌تواند به کاهش تولید در بازار منجر شود.

از کم‌رنگ شدن گفتمان انتقام پس از جنگ تا بازگشت آن با مطالبه مردم؛ آیا «آزادسازی قدس» پاسخ خون‌خواهی رهبر شهید انقلاب است؟

فتح قدس خون بهای رهبر شهید است؟

نوبنیاد نیز پیش‌تر در گزارشی به آن پرداخت. با این حال، مطالبه گسترده مردم، سخنان صریح سید علی خمینی و سپس تأکید آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، بر قطعی بودن انتقام، بار دیگر خون‌خواهی را به یکی از محورهای اصلی ادبیات سیاسی کشور تبدیل کرد.

شهادت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در روز نخست جنگ رمضان، در آغاز گفتمان خون‌خواهی را به یکی از اصلی‌ترین مطالبات افکار عمومی تبدیل کرد، اما با گذشت زمان و به‌ویژه پس از برقراری آتش‌بس، این ادبیات به تدریج از مواضع رسمی فاصله گرفت؛ موضوعی که روزنامه



تبدیل خواهد شد. از همین منظر، هزینه‌ساز کردن ترور رهبران، نه صرفاً یک مطالبه احساسی، بلکه ضرورتی برای حفظ بازدارندگی است.

انتقام و منطق بازدارندگی

با این همه، همچنان این پرسش پابرجاست که آیا می‌توان آزادسازی قدس را معادل خون‌خواهی دانست؟ به نظر می‌رسد پاسخ منفی است. آزادی قدس، آرمانی عمومی، تاریخی و دائمی است؛ هدفی که پیش از این جنایت نیز وجود داشت و مستقل از آن دنبال می‌شد. اما خون‌خواهی رهبر شهید، پاسخی مشخص به یک اقدام مشخص است و کارکردی متفاوت دارد. مسئله اصلی در اینجا، بازدارندگی است. اگر دشمن به این جمع‌بندی برسد که ترور عالی‌ترین مقام یک کشور هزینه‌ای متناسب در پی ندارد، طبیعی است که چنین اقدامی را همچنان در محاسبات خود حفظ خواهد کرد. از این منظر، مجازات عاملان ترور صرفاً اجرای عدالت یا پاسخ به احساسات عمومی نیست، بلکه ضرورتی راهبردی برای جلوگیری از تکرار چنین اقداماتی است.

بنابراین، آرمان آزادسازی قدس و مطالبه خون‌خواهی، نه در تقابل با یکدیگر، بلکه در دو سطح متفاوت تعریف می‌شوند. یکی افقی بلندمدت و راهبردی است و دیگری پاسخی مشخص به یک اقدام مشخص؛ پاسخی که کارکرد اصلی آن، حفظ بازدارندگی و جلوگیری از تبدیل ترور رهبران به الگویی کم‌هزینه در معادلات امنیتی است.

در این چارچوب، تأکید رهبر جدید انقلاب بر قطعی بودن انتقام، مسیر رسمی نظام را در قبال این موضوع روشن‌تر کرد و گفتمان خون‌خواهی را بار دیگر به متن ادبیات سیاسی بازگرداند. از این پس، انتظار افکار عمومی آن است که این موضع، تنها در سطح شعار باقی نماند، بلکه در سیاست‌گذاری و مواضع رسمی نیز به شکلی منسجم دنبال شود.

نخست بدنه اجتماعی انقلاب است و این خواسته نه به حاشیه رفته و نه فراموش شده است.

اندکی بعد، سید علی خمینی در مراسم بزرگداشت رهبر شهید انقلاب، با سخنانی صریح و قاطع، بر ضرورت انتقام از عاملان این جنایت تأکید کرد. این مواضع بازتاب گسترده‌ای یافت و در بازگشت گفتمان خون‌خواهی به فضای سیاسی کشور بی‌تأثیر نبود.

پس از آن، بیانیه آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای، رهبر جدید انقلاب که در آن بر قطعی بودن انتقام از عاملان این جنایت تأکید شده بود، این روند را تثبیت کرد. از آن پس، ادبیات خون‌خواهی بار دیگر در سخنان مسئولان پررنگ‌تر شد و حتی برخی چهره‌هایی که پیش‌تر تحقق انتقام را صرفاً به آرمان‌هایی مانند آزادی قدس ارجاع می‌دادند، این بار دست‌کم از اصل ضرورت خون‌خواهی و مجازات عاملان جنایت حمایت کردند.

بازگشت گفتمان خون‌خواهی به رسانه ملی

بازگشت گفتمان خون‌خواهی تنها به بیانیه رهبر جدید انقلاب محدود نماند و به تدریج در رسانه ملی نیز بازتاب یافت. محمد جمشیدی، معاون سیاسی دولت سیزدهم، در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری با اشاره به اینکه برخی «انتقام اصلی را آزادی قدس» می‌دانند، تأکید کرد این گزاره، از حیث تمدنی، سخن نادرستی نیست؛ اما نباید جایگزین مجازات عاملان ترور شود.

جمشیدی با تبیین راهبرد جدید غرب در جنگ‌های نوین، استدلال کرد که آمریکا و متحدانش تلاش می‌کنند با هدف قراردادن رأس هرم سیاسی و فرماندهی کشورها، با کمترین هزینه به بیشترین دستاورد برسند. به گفته او، اگر جمهوری اسلامی در برابر این راهبرد واکنشی متناسب نشان ندهد یا با هدف‌گذاری نادرست، مسئله را به آینده‌ای نامعلوم حواله دهد، این الگوبه رویه‌ای دائمی

گروه سیاسی نوبنیاد

در روزهای نخست پس از شهادت رهبر انقلاب، خون‌خواهی مهم‌ترین مطالبه افکار عمومی بود و تقریباً همگان بر ضرورت مجازات عاملان این جنایت تأکید می‌کردند. اما هرچه جنگ ادامه یافت و سپس آتش‌بس برقرار شد، این ادبیات به تدریج از مواضع رسمی کناررفت و جای خود را به موضوعات دیگری داد. همین تغییر، واکنش جامعه را برانگیخت. روزنامه نوبنیاد نیز پیش‌تر در گزارشی به این مسئله پرداخت و از فاصله گرفتن ادبیات رسمی با مطالبه‌ای نوشت که همچنان در میان مردم زنده بود. در واقع، آنچه کم‌رنگ شد، اصل مطالبه خون‌خواهی نبود؛ بلکه بازتاب آن در سخنان مسئولان بود.

در همین مقطع، برخی چهره‌های سیاسی تلاش کردند مفهوم انتقام را در قالب آرمان‌های کلان جمهوری اسلامی تعریف کنند. محمد باقر قالیباف اعلام کرد که «انتقام اصلی، آزادسازی قدس است» و پس از او علی‌مطهری نیز با ادبیاتی مشابه، همین مضمون را مطرح کرد. اصل این گزاره، از منظر ارزشی، سخنی درست است. آزادی قدس از آرمان‌های اساسی جمهوری اسلامی است؛ آرمانی که سال‌ها پیش از شهادت رهبر انقلاب، از سوی امام خمینی (ره) پایه‌گذاری شد و در طول دوران رهبری آیت‌الله خامنه‌ای نیز همواره مورد تأکید قرار داشت. اما به نظر می‌رسید مسئولین با پیش‌کشیدن این شکل از انتقام سعی در شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت خود دارند.

تشبیح؛ نقطه بازگشت مطالبه عمومی

با این حال، این موضع نتوانست مطالبه افکار عمومی را اقناع کند. نقطه عطف، مراسم تشییع رهبر شهید انقلاب بود؛ جایی که شعارهای گسترده مردم نشان داد خون‌خواهی همچنان مطالبه

خبر کوتاه

آیین بزرگداشت آقای شهید ایران برگزار می‌شود

دفتر مقام معظم رهبری در اطلاعیه‌ای از برگزاری مراسم بزرگداشت قائد شهید امت در تهران از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی خبر داد. اطلاعیه به شرح زیر است: با سلام و صلوات به پیشگاه حضرت ولی عصر (عج)، تسلیت ایام سوگواری حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و یاران باوفای ایشان، تعزیت مجدد به مناسبت شهادت قائد عظیم‌الشان انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله عظمی سید علی حسینی خامنه‌ای (قَدْشَ لِلْفَقْهَةِ الزَّكِيَّةِ) و اعضای خانواده عزیز ایشان و همچنین با خشوع و خشوع در برابر عظمت و شکوه تاریخی ملت مبعوث شده در بدرقه آقای شهید ایران، به اطلاع دلدادگان امام مجاهد شهید می‌رساند، مراسم بزرگداشتی از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (مُد ظِلَّهُ الْعَالِي) روز سه شنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۵ از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در شبستان مصلای امام خمینی (ره) تهران برگزار خواهد شد. بی‌شک حضور مردم عزادار و مبعوث شده در این مراسم، تأکید دوباره‌ای بر عهد و پیمان ناگسستنی برای ادامه راه خامنه‌ای شهید و بیعت مجدد با خلف صالح آن امام شهید خواهد بود.

۵۰۰ میلیون انسان

بیدار و مصمم خونخواه رهبر شهید

سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی معاون شهید ریسی در دولت سیزدهم نوشت: دشمن آمریکا- صهیونی، منازعه را میان خود و رهبری عالی نظام و تعدادی از نزدیکان ایشان می‌دانست. با به شهادت رساندن ایشان، کوشید تا سطح منازعه را در نهاد های سیاسی و مدنی ایران تعریف کند و آنگاه آنها را نیز از طریق تفاهم‌نامه از میان بردارد. اما آنچه امروز آشکار است، منازعه در حقیقت میان امت بی‌باخته اسلام و ایران با رأس نظام استکبار است. درماندگی و سردرگمی دشمن در مواجهه با این پدیده، آنان را به بن‌بست و استیصال کشانده است. می‌توان یک یا چند نفر را ترور کرد، مرعوب ساخت یا خرید؛ اما با ۵۰۰ میلیون انسان بیدار و مصمم چه می‌توان کرد؟

صفوی: کشور همچنان در شرایط جنگی قرار دارد

مشاور فرمانده کل قوا گفت: کشور همچنان در شرایط جنگی قرار دارد و همه دستگاه‌ها باید آمادگی لازم را حفظ کنند. سرلشکر رحیم صفوی دستیار و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا حمایت از رهبری، حفظ وحدت ملی و جلوگیری از ایجاد شکاف‌های اجتماعی را مهم‌ترین ضرورت امروز کشور دانست و اضافه کرد: دشمن به دنبال ایجاد اختلاف میان مردم و مسئولان است؛ از این رو حفظ انسجام ملی و پرهیز از دو قطبی‌سازی، مهم‌ترین مؤلفه اقتدار جمهوری اسلامی در برابر فشارهای خارجی است.

قمی: خون‌خواهی

وظیفه‌ی ایمانی جامعه اسلامی است

حجت‌الاسلام قمی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در یادداشتی تبیینی پیرامون معناپردازی تمدنی و ترویج فرهنگ خون‌خواهی نوشت: پرچم‌های خون‌خواهی نماد تعهد ابدی مسلمین و یادآور زخم مشترک هستند که انسانیت را به چالش می‌کشند. در بخشی از این یادداشت آمده است: عیان است که جان‌های پاک، شجاع و غیرتمندی، عهد خون‌کرده و برخاسته‌اند تا بخشی از حساب ما با قاتلین ولی خدا و مرشد مسلمین را تسویه کنند. خط خون‌خواهی، در این فرهنگ از یک اشتراک عمیق، میان هویت ملی ایران و فلسفه‌ی تاریخی تشیع بر محور «انتقام خون صالحان» برآمده است. پاسخ به ضایعه‌ی جان‌سوز شهادت زعیم امت، البته یک تفکیک فقهی و راهبردی را می‌طلبد: اول قصاص (یعنی پاسخ فوری، عینی و موازنه‌ساز) که ناظر به اشخاص، آمران و عاملان مستقیم این جنایت (مشخصاً آن سگ زرد و ملعون ازل و ابید آن نوچه‌ی جانی و منحوس صهیونیستی‌اش) است. دوم انتقام (یعنی کلان‌طرح تاریخی برچیدن باطل) که فرآیندی عمیق‌تر، دردناک‌تر و بلندمدت‌تر است. پس این خون‌خواهی مستقیماً به وظیفه‌ی ایمانی جامعه و توجه به ساحت امام زمان (عج) گره خورده است.

یادداشت

علت سفرهای خارجی
متعدد انصاری چیست؟

آواروشنگر

فعال سابق دانشجویی

لیست سفرهای بلند بالای شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست بسیاری از دلسوزان حوزه محیط زیست را نگران کرده است. او در شرایطی با گروهی پرجمعیت به سفرهای داخلی و خارجی می‌رود که منابع مالی سازمان محیط زیست، توان پوشش این سفرها را ندارد و براساس برخی شنیده‌ها، منابعی که باید صرف مسایل رفاهی پرسنل این سازمان شود، جابجا شده و صرف تأمین هزینه سفرهای رئیس سازمان و هیات همراه می‌شود.

شینا انصاری در نزدیک به ۲۲ ماه خدمتش -یعنی از اول شهریور ۱۴۰۳ تا نیمه تیرماه امسال-، در مجموع ۱۰ سفر خارجی و ۳۶ سفر داخلی داشته است. با در نظر گرفتن دو ماه توقف امکان سفر به دلیل جنگ دوازده روزه و جنگ ۴۰ روزه، او در طول خدمت، در هر ماه بیش از دو سفر داشته است. اگر مدت زمان هر سفر را به طور متوسط سه روز در نظر بگیریم، رئیس سازمان محیط زیست تقریباً یک هفته کامل کاری را در این مجموعه حضور نداشته است. این موضوع وقتی نگران کننده می‌شود که بدانیم در اغلب این سفرها، سید مهدی حسینی، مدیرکل حوزه ریاست و هماهنگی امور استان‌های سازمان حفاظت محیط زیست نیز اورا همراهی می‌کرده است.

بررسی اندک تصاویر منتشر شده از سفرهای رئیس سازمان حفاظت محیط زیست نشان می‌دهد که در تمام سفرهای خارجی به جز سفر خبرساز برزیل برای شرکت در کاپ ۳۰ کنفرانس تغییر اقلیم، حسینی به همراه تیم شینا انصاری بوده و در بیشتر سفرهای داخلی هم رئیس دفتر انصاری، اورا همراهی می‌کرده است. این در حالی است که حسینی نقش بسیار مهمی و کلیدی در رتق و فتق امور در غیاب رئیس سازمان دارد و معلوم نیست چرا دو مهره کلیدی، طبقه دهم سازمان حفاظت محیط زیست را ترک می‌کنند و به سفر می‌روند!

در حالی که کشور درگیر مسایل و مشکلات اقتصادی ناشی از دو جنگ تحمیلی است، سفرهای بدون خروجی سازمان حفاظت محیط زیست هیچ توجیهی ندارد. این سازمان، تحریم‌ها را بهانه‌ای برای نبود خروجی این سفرها اعلام می‌کند، اما باید برای نکته تأکید کرد که اگر موانع آن قدر بزرگ هستند که سفرها خروجی ندارد، صرف هزینه برای حضور حتی یک نفر در سفرهای خارجی هم توجیهی ندارد.

مسئولان سازمان محیط زیست باید توضیح دهند که در طول سفرهای خارجی آنها چه تفاهم‌نامه‌های منجر به اقدامی در به امضا رسیده است؟ چه میزان اعتبار بین‌المللی برای کمک به محیط زیست ایران جذب شده است؟ چرا تخصیص اعتباری که انجام شده بود، با تعلق این سازمان از دست رفته است؟ انتقال دانش و BAT فارغ از بحث تحریم‌ها امکان پذیر است آیا اقدامی در این رابطه انجام شده است. در شرایطی که کشورها عضو بریکس ما را تحریم نکرده‌اند، چرا مسئولان سازمان محیط زیست با وجود شرکت در این اجلاس نتوانسته‌اند اقدام مثبتی انجام دهند؟ اگر ایران تا این حد تحت تأثیر تحریم‌ها قرار دارد که نمی‌توان در سفرهای خارجی اقدام مثبتی انجام داد، چه لزومی به شرکت در این نشست‌ها و صرف هزینه‌های هنگفت دلاری است و اساساً چرا سازمان محیط زیست در شرایطی که بسیاری از کشورها از سفرگران برزیل در قالب هیات‌های بزرگ صرف‌نظر کردند، در این اجلاس بدون خروجی و صرفاً سیاسی شرکت کرد؟

متأسفانه رئیس سازمان محیط زیست نه تنها در چپش هیات همراه، حوزه ریاست را خالی می‌کند تا کارها در کارتابل، در انتظار پایان سفر خانم رئیس باقی بمانند بلکه انبوهی از مشاوران که از پرسنل سازمان محیط زیست نیستند هم در این سفرها اورا همراهی می‌کنند. مهم‌ترین اثرسفرهایی از این دست، انباشت تجربه در سازمان محیط زیست است؛ اما شیوه تصمیم‌سازی شینا انصاری باعث می‌شود که حتی این انباشت تجربه هم در سازمان محیط زیست انجام نشود و تجربیات به دست آمده به همراه مشاورانی که بعد از تغییر رئیس از سیستم حذف می‌شوند، از مجموعه سازمان محیط زیست خارج شود. به این ترتیب سازمانی با نقش حاکمیتی بسیار مهم، هر روز به ساختاری ضعیف‌تر از دیروز تبدیل می‌شود.

✓ چرا راهبرد «مقابله به مثل» برای مهار دشمن کافی نیست؟



روح‌الطیباست نماینده مردم شیراز در مجلس نوشت: مواضع برادر عزیز، سردار ذوالقدر، دبیر شورای عالی امنیت ملی مبنی بر اینکه «حمله به زیرساخت‌ها با مقابله به مثل همراه خواهد شد»،

گامی مثبت است؛ اما از منظر راهبردی، آیا «تقارن در پاسخ» برای متوقف کردن ماشین جنگی دشمن کفایت می‌کند؟ تجربه ملموس نبردهای اخیر، به ویژه «جنگ ۱۲ روزه» و «جنگ رمضان»، یک واقعیت تلخ اما حیاتی را به ما یادآور می‌شود: دشمن با پاسخ‌های هم‌سطح و مقابله به مثل، پشیمان نمی‌شود. شواهد میدانی نشان می‌دهد که آن‌ها کماکان درصدد طرح ریزی دور تازه‌ای از تهاجم هستند و توقف در ایستگاه «پاسخ هم‌وزن»، صرفاً به دشمن فرصت تجدید

با تاخیر غیرقابل قبول مجلس در تصویب قانون تنگه هرمز و تغییر معادلات منطقه، تحمیل ترتیبات ایرانی در تنگه با ابهامات جدی روبرو است

خسارت محض
تعطیلی مجلس

همزمان با تشدید تنش‌ها و درگیری‌ها در نوار جنوبی ایران و شائبه‌ها درباره ترتیبات ایرانی تردد در تنگه هرمز، جای خالی تصویب قانون مرتبط با این آبراهه بین‌المللی در مجلس شورای اسلامی بیشتر حس می‌شود. مجلس بواسطه تعطیلی چندماهه و بی‌سابقه صحن علنی نتوانست انتظارات را در این زمینه برآورده کند هرچند گفته می‌شود که یکی از دلایل این تعطیلی نیز عدم ورود بهارستان به موضوع مدیریت تنگه هرمز بوده است تا هیات مذاکره‌کننده آزادی عملی بیشتری در این زمینه داشته باشد.

سعید قاسمی
روزنامه‌نگار

و سرانجام طرح مدیریت تنگه هرمز گفت: مجلس پس از آغاز مجدد جلسات علنی، با جدیت موضوعات مرتبط با جنگ، تنگه هرمز، اقدامات متقابل جمهوری اسلامی ایران و همچنین پیگیری حقوقی و بین‌المللی جنایات ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی را در دستور کار نظارتی و تقنینی خود قرار خواهد داد.

وی افزود: از ابتدای جنگ، نمایندگان مجلس حساسیت ویژه‌ای نسبت به این موضوع داشتند و بررسی به این موضوع‌های مختلف آغاز شد. اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای، کمیسیون عمران و جمعی از نمایندگان صاحب نظر و استادان دانشگاه، با همکاری گروه‌های کارشناسی و پژوهشی، ابعاد مختلف این موضوع را بررسی و طرح اولیه را تدوین کردند. به گفته نیکزاد، در شرایط عادی، این طرح در قالب یک کمیسیون مشترک بررسی و پس از طی مراحل قانونی به صحن مجلس ارائه می‌شد، اما با توجه به شرایط جنگی، طی هفت تا هشت جلسه فشرده، نظرات نمایندگان، کارشناسان و استادان حقوق بین‌الملل جمع‌بندی و متن طرح مدیریت تنگه هرمز در قالب ۱۴ ماده تنظیم شد.

نیکزاد در همین زمینه به مهر گفت: همزمان کارگروهی نیز در وزارت امور



خارجه برای بررسی موضوع تشکیل شده بود. با اجازه رهبر معظم انقلاب اسلامی، کارگروهی در وزارت امور خارجه مأمور بررسی ابعاد حقوقی و دیپلماتیک مدیریت تنگه هرمز و تعامل با کشور عمان شد. نتایج بررسی‌های آن کارگروه نیز در اختیار مجلس قرار گرفت و در جلسات مشترک، متن دو مجموعه با یکدیگر تلفیق شد. متن نهایی برای بررسی و هماهنگی بیشتر در اختیار ستاد کل نیروهای مسلح و شورای عالی امنیت ملی نیز قرار گرفته تا همه ملاحظات امنیتی، نظامی و حقوقی در آن لحاظ شود. براساس نظر رئیس مجلس شورای اسلامی، این طرح باید در نهایت از مسیر صحن علنی مجلس به قانون تبدیل شود، اما باید توجه داشت که این موضوع صرفاً یک قانون داخلی نیست، زیرا تنگه هرمز یک آبراه بین‌المللی است و کشور عمان نیز در آن ذی‌نفع محسوب می‌شود، از این رو ملاحظات حقوق بین‌الملل نیز باید به‌طور کامل رعایت شود.

دود اختلاف کروز و سایپا در چشم مردم



تجمع دو روز گذشته مشتریان سایپا مقابل مرکز امور مشتریان این شرکت، تصویری از بحرانی است که ماه‌هاست در سکوت پارکینگ‌های مملو از خودروهای ناقص شکل گرفته و حالا به خیابان رسیده است. خریداران شاهین، اطلس، کوئیک، ساینا، سهند و دیگر محصولات سایپا، پس از ماه‌ها انتظار و شنیدن وعده‌های تکراری، یک سؤال مشترک را فریاد زدند: چرا پول مردم گرفته شده، اما خبری از تحویل خودرو نیست؟ ریشه این بحران را باید در اختلافی جست‌وجو کرد که از بهمن‌ماه سال گذشته میان سایپا و شرکت قطعه‌ساز کروز شدت گرفت؛ اختلافی که نتیجه آن نه در صورت‌های مالی دو شرکت، بلکه در پارکینگ‌های مملو از خودروهای ناقص و صف بلند مشتریان معترض دیده می‌شود. گزارش‌ها نشان می‌دهد درحالی‌که پرداختی سایپا به کروز تا ۱۳۷ درصد افزایش یافته، عرضه قطعه از سوی این تأمین‌کننده

به سایپا ۵۱ درصد کاهش داشته است؛ یعنی پول بیشتر، قطعه کمتر. نتیجه این رفتار، هزاران خودروی ناقص در کف پارکینگ‌های سایپا و هزاران مشتری بلا تکلیف است. البته، سایپا هم نمی‌تواند پشت نام کروز پنهان شود. این شرکت طرف قرارداد مردم است؛ بنابراین حتی اگر منشأ بخشی از مشکلات، کمبود قطعه باشد، سایپا نمی‌تواند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند. پرسش جدی اینجاست که وقتی خطوط تولید با کمبود قطعه مواجه بوده و هزاران دستگاه خودرو در کف پارکینگ‌ها ناقص مانده، چرا طرح‌های فروش جدید یکی پس از دیگری اجرا می‌شود؟ آیا جذب نقدینگی از محل ثبت‌نام‌های جدید، جایگزین برنامه ریزی واقعی برای تولید و ایفای تعهدات شده است؟ تکرار وعده‌های پایان خودروهای ناقص و انجام تعهدات در حالی است که بسیاری از خریداران حتی

پس از تکمیل وجه و عبور چند ماه از موعد قرارداد، هنوز خودرویی تحویل نگرفته‌اند. آن‌ها می‌گویند ما نه در قرارداد‌های پشت‌پرده با کروز دخیل بوده‌ایم، نه از جابه‌جایی اولویت‌ها خبر داشتیم؛ ما فقط پول دادیم و امروز هزینه سوء مدیریت و انحصار را می‌پردازیم.

در این میان، لازم است قوه قضاییه و دستگاه‌های ناظر، رفتار کروز در کاهش عرضه قطعه و عملکرد سایپا، نگه‌داشت طولانی پول مردم و عدم شفافیت در وضعیت خودروهای ناقص را بررسی کنند. کروز باید توضیح دهد اگر پرداخت‌ها انجام شده، چرا تأمین و تحویل قطعات کاهش یافته و چه برنامه‌ای برای جبران این وضعیت دارد. سایپا نیز باید اعلام کند چه تعداد خودرو به دلیل کمبود قطعه در پارکینگ‌ها متوقف مانده و چرا با وجود این حجم از تأخیر، همچنان فروش‌های جدید ادامه دهد.

نوبنیاد از آغاز موج خاموشی‌ها گزارش می‌دهد؛

خاموشی منازل و صنایع برخلاف وعده‌های دولت

با وجود وعده‌های مکرر دولت برای جلوگیری از قطع برق، خاموشی حالا از خانه‌ها تا کارخانه‌ها آغاز شده و شکاف میان وعده و واقعیت را عیان کرده؛ به طوری که طبق اعلام دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت ایران، در حال حاضر، محدودیت تأمین برق واحدهای صنعتی به ۲ روز در هفته رسیده است و پیش‌بینی می‌شود همانند سال گذشته، این محدودیت در ادامه به بازه زمانی عصر تا نیمه‌شب نیز گسترش یابد.

با همکاری مردم و بهبود وضعیت سوخت نیروگاه‌ها، از تابستان بدون خاموشی عبور کردیم و دیگر خاموشی نخواهیم داشت. وزیر نیرو در ۲۳ اردیبهشت سال جاری و حدود یک ماه پس از آتش‌بس، با اشاره به نشست مشترک با اعضای کمیسیون عمران مجلس، ضمن تشریح آمادگی‌ها برای تأمین آب و برق تابستان، تأکید کرد که با همکاری مردم و افزایش ظرفیت تولید، وضعیت امسال از سال گذشته به مراتب بهتر خواهد بود و امید است تابستان بدون خاموشی سپری شود.

فاصله تأمین برق با برنامه هفتم

آخرین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس از وضعیت صنعت برق در سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد ناترازی برق، کمبود تولید در ساعات اوج مصرف و عقب‌ماندگی از اهداف برنامه هفتم همچنان پابرجاست. براساس این گزارش، برنامه هفتم پیشرفت برای سال ۱۴۰۴ دست‌یابی به ظرفیت تولید ۷۶ هزار و ۱۹۱ مگاوات برق در اوج بار را هدف گذاری کرده بود، اما تولید واقعی تنها به حدود ۶۲ هزار و ۷۵۱ مگاوات رسید. به بیان دیگر، عملکرد کشور در این شاخص تنها حدود ۱۴ درصد مسیر مورد انتظار را طی کرده است. در حوزه توسعه نیروگاهی نیز وضعیت

چندان امیدوارکننده نیست. ظرفیت اسمی کل نیروگاه‌های کشور از ۹۴ هزار و ۵۷۹ مگاوات در سال ۱۴۰۳ به حدود ۹۹ هزار مگاوات رسیده، اما این رقم همچنان فاصله قابل توجهی با هدف ۱۰۴ هزار و ۷۸۲ مگاواتی تعیین‌شده برای پایان سال دوم برنامه (پایان سال ۱۴۰۴) دارد. گزارش مجلس هشدار می‌دهد که ادامه این روند می‌تواند ناترازی میان تولید و مصرف برق را در سال‌های آینده تشدید کند. شاید نگران‌کننده‌ترین عدد گزارش، مربوط به «بار تأمین‌نشده در اوج تقاضا» باشد؛ شاخصی که عملاً میزان کمبود برق را نشان می‌دهد. این رقم در سال ۱۴۰۴ حدود ۱۴ هزار و ۷۴۶ مگاوات بوده است؛ در حالی که برنامه هفتم برای این سال عدد ۷۴۲ مگاوات را هدف گذاری کرده بود. به عبارت دیگر، صنعت برق نه تنها به هدف نزدیک نشده، بلکه هنوز فاصله‌ای عظیم با آن دارد. در جمع‌بندی، مرکز پژوهش‌های مجلس نتیجه می‌گیرد که صنعت برق ایران در سال دوم برنامه هفتم، اگرچه در توسعه تجدیدپذیرها و بازار برق پیشرفت‌هایی داشته، اما در مهم‌ترین مأموریت خود، یعنی رفع ناترازی و تضمین تأمین پایدار برق، هنوز فاصله زیادی با اهداف تعیین‌شده دارد؛ فاصله‌ای که اگر جبران نشود، تحقق اهداف برنامه هفتم را با تردید جدی مواجه خواهد کرد.

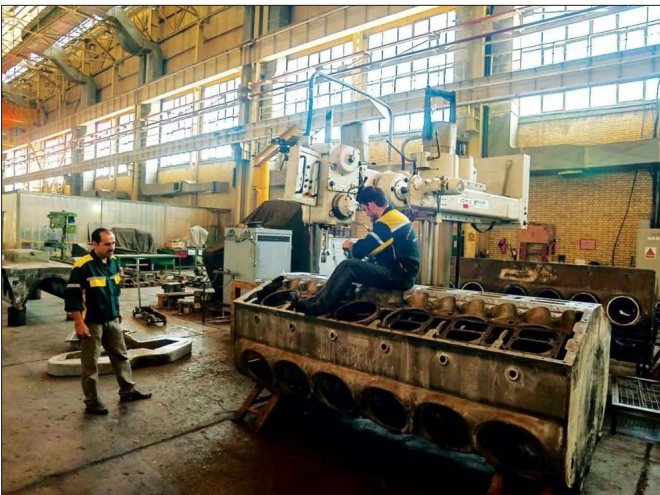
ادامه خواهد داشت. زمان خاموشی‌ها ۲ ساعته بوده و برنامه خاموشی در سطح شهر توزیع شده است. اگر مردم بتوانند در مدیریت مصرف همراهی کنند، قطعاً جدال و تعدیل می‌شود.

خاموشی صنایع به ۲ روز در هفته رسید

علاوه بر منازل، واحدهای تولیدی نیز از قطعی برق در امان نبودند. در همین رابطه، دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت ایران گفت: در حال حاضر، محدودیت تأمین برق واحدهای صنعتی به ۲ روز در هفته رسیده است. آرمان خالقی اظهار داشت: پیش‌بینی می‌شود همانند سال گذشته، این محدودیت در ادامه به بازه زمانی عصر تا نیمه‌شب نیز گسترش یابد. وی افزود: پیشنهاد شده است که روزهایی خاموشی صنایع به عنوان روز تعطیل واحدهای تولیدی در نظر گرفته شود. خالقی تأکید کرد: با وجود اینکه طی ماه‌های گذشته از سوی صنایع و خانه صمت پیشنهاد جایگزینی روزهایی تعطیل با روزهایی خاموشی صنایع ناشی از ناترازی برق مطرح شده بود، اما تاکنون هیچ تمهیدی در این زمینه اندیشیده نشده و اقدامی برای اجرای آن صورت نگرفته است.

تداوم خاموشی با وجود وعده‌های بسیار

تکرار قطع برق منازل و واحدهای تولیدی در حالی ادامه دارد که مسئولان دولت پیش از این بارها از وضعیت مطلوب تأمین برق گفته و وعده عبور بدون خاموشی در تابستان را داده بودند. مسعود پزشکیان، رئیس دولت، در نخستین روز آذر سال گذشته، با اشاره به افزایش ذخایر سوخت از ۳ میلیارد لیتر در سال گذشته به بیش از ۱۳ میلیارد لیتر، گفت: دیگر قطع برق نداریم و تابستان آینده را با آمادگی می‌گذرانیم. پزشکیان همچنین در ۲۹ بهمن سال گذشته، با تأکید بر هدف برای کاهش خاموشی‌ها در بخش خانگی، گفت: امسال تلاش شد قطعی برق در منازل به حداقل برسد و امید داریم تابستان آینده نیز خاموشی گسترده‌ای رخ ندهد. وعده رفع یا کاهش خاموشی‌ها البته ادامه داشت و به پزشکیان محدود نبود. وزیر نیرو ۶ آبان سال گذشته، در حاشیه مراسم افتتاح بیست‌ونهمین کنفرانس بین‌المللی شبکه‌های توزیع نیروی برق، اظهار کرد: اوضاع صنعت برق رو به بهبود است و با همکاری مردم، تلاش‌ها به نتیجه خواهد نشست. از تابستان امسال بدون خاموشی عبور کردیم و امیدواریم در ماه‌های آینده نیز وضعیت بهتر شود و طرح‌ها به ثمر بنشینند. عباس علی‌آبادی همچنین گفت:



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

سال گذشته، قطعی برق در بخش خانگی و صنایع از نیمه دوم فروردین ماه آغاز شد. علت آن نیز افزایش دما (آغاز گرمای هوا) و افت شدید تولید برق نیروگاه‌های برق آبی به دلیل خشکسالی اعلام شده بود. این در حالی است که میزان تقاضای برق نیز طی سال‌های گذشته در محدوده ۷۵ هزار تا ۸۰ هزار مگاوات قرار داشت. با این حال، هفته گذشته پیک مصرف روزانه برق در کشور به بالاترین رقم سال جاری، یعنی ۷۰ هزار مگاوات، رسید. این در حالی است که امسال تاکنون خاموشی‌ها در بخش خانگی اعمال نشده بود و برق صنایع یک روز در هفته (جابه‌جایی پیک در بخش‌های صنعتی) قطع می‌شد. همچنین گرمای هوا در سال جاری از این هفته شروع شد. با این حال، با وجود رشد ۵ درصدی تأمین توان و ۳ درصدی تأمین انرژی نسبت به سال گذشته، پیش‌بینی می‌شود مصرف برق در روزهایی آینده از مرز ۷۵ هزار و ۵۰۰ مگاوات عبور کند.

وزارت نیرو پیش از این اعلام کرده بود تا قبل از تابستان امسال، ۵ هزار مگاوات تولید برق خورشیدی وارد شبکه خواهد شد. همچنین به دلیل بارش‌های زمستان سال گذشته و بهار امسال، میزان تولید برق آبی نیز نسبت به سال گذشته رشد چشمگیری داشته است. البته مصطفی رجبی مشهدی، معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی، می‌گوید: بخشی از نیروگاه‌های صنایع ماده ۴ که سال گذشته برق مورد نیاز برخی صنایع و مجتمع‌های پتروشیمی را تأمین می‌کردند، بر اثر آسیب‌های وارده شده در جنگ رمضان از مدار خارج شده‌اند؛ از این رو شبکه سراسری اکنون باید بخشی از نیاز برق این واحدها را نیز تأمین کند و مجموعه این عوامل، شرایط بهره‌برداری از شبکه را نسبت به سال گذشته حساس‌تر کرده است. با این حال، طی روزهای اخیر خبرهای مختلفی از قطعی برق منازل و واحدهای تولیدی منتشر شده است. در همین رابطه و به عنوان نمونه، سخنگوی شرکت توزیع نیروی برق مشهد گفت: از یکشنبه ۲۱ تیرماه، به دنبال مدیریت مصرف برق، خاموشی‌ها در بخش خانگی اعمال خواهد شد. علیرضا کاشی تصریح کرد: خاموشی‌ها در مناطق مختلف شهر از ۸ صبح آغاز شده و تا شب

دلیل قطعی برق در چند منطقه کشور چه بود؟

هم‌زمان با افزایش قابل توجه دمای هوا در سطح کشور چند واحد نیروگاهی به دلیل نقص فنی از مدار خارج شد. برآورد می‌شود حدود ۱۰۰۰ مگاوات از توان تولید برق کشور به‌واسطه این خروج‌های اضطراری کاسته خواهد شد. یک واحد نیروگاهی در تبریز به‌واسطه خرابی در ترانس و یک واحد دیگر در قشم به‌واسطه خم‌شدن روتور از جمله این واحدهای عملیاتی هستند. مصطفی رجبی مشهدی گفت افزایش چشمگیر دما و خروج اضطراری نیروگاهی به دلیل نقص فنی فشار بر شبکه برق را بیش از پیش کرده و از مردم تقاضا داریم برای تأمین پایدار انرژی نسبت به صرفه‌جویی اقدام کنند.

نبل اقتصاد

افزایش ۷۴ درصدی نرخ ارز

رسمی در زمان مدیریت «همتی»

حسین مصمصامی، اقتصاددان و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، روز گذشته از نامه جمعی از نمایندگان مجلس به رئیس قوه قضائیه در مورد رسیدگی به اقدامات رئیس کل بانک مرکزی به عنوان یکی از عوامل اصلی گران‌سازی ارز رسمی در کشور خبر داد. مصمصامی با انتشار این نامه در صفحه شخصی خود در فضای مجازی نوشت: «نامه جمعی از نمایندگان مجلس به رئیس قوه قضائیه در مورد لزوم محاکمه و رسیدگی به اقدامات آقای همتی (رئیس کل بانک مرکزی) به عنوان یکی از عوامل اصلی گران‌سازی ارز رسمی، تشدید تورم و نارضایتی مردم که زمینه‌ساز وقایع تلخ ۱۸ و ۱۹ دی و در پی آن تجاوز دشمن و شهادت رهبر معظم انقلاب گردید.» او تأکید کرد که اسامی امضاکنندگان نامه به زودی منتشر خواهد شد.

در این نامه آمده است: امام شهید ما در تاریخ ۱۳ دی ۱۴۰۴ (یعنی ۵ روز پیش از اغتشاشات ۱۸ دی) در دیدار با خانواده شهیدان فرمودند: «این گران‌شدن قیمت ارز خارجی، بالا رفتن بی‌حساب قیمت ارز خارجی و عدم ثبات آن که مدام بالا برود، پایین بیاید، که کاسب نداند تکلیفش چیست، طبیعی نیست؛ این کار دشمن است. البته با تدابیر گوناگون باید جلوی گرفتار شدن... در این مشکل، دست دشمن در کار است و بی‌ثباتی و بالا رفتن بی‌حساب و کتاب قیمت ارز خارجی که باعث بلا تکلیفی کسبه می‌شود، طبیعی نیست و با تدابیر گوناگون باید جلوی آن گرفته شود.» آقای عبدالناصر همتی، به رغم اطلاع از سیاست‌های کلی تعیین‌شده توسط امام شهید مبنی بر «تقویت ارزش پول ملی کشور و جلوگیری از افزایش نرخ ارز»، بلافاصله و تنها ۵ روز پس از تصدی ریاست بانک مرکزی، به بهانه تک‌نرخ کردن قیمت دلار، نرخ ارز تالار مرکز مبادله را از ۸۴ هزار تومان به ۱۲۸ هزار تومان افزایش داد و ارزش پول ملی را ۵۲ درصد کاهش داد. موضوع به همین جا ختم نشده است؛ چنان‌که اکنون نرخ ارز رسمی مرکز مبادله بانک مرکزی ۱۴۶۶۰۰ تومان است.

به عبارتی، از زمان ورود آقای همتی به بانک مرکزی، نرخ ارز رسمی بیش از ۷۴ درصد افزایش یافته و مهم‌ترین دلیل اوج گرفتن تورم در چند دهه اخیر و تشدید نارضایتی مردم، بی‌شک سیاست‌های غلط اعمالی توسط ایشان بوده است. برای نمایندگان ملت جای سؤال است که چرا با وجود سابقه منفی و اسف‌بار ایشان در زمان ریاست بر بانک مرکزی (مرداد ۱۳۹۷ تا مرداد ۱۴۰۰) و سابقه منفی‌تر در وزارت اقتصاد (مرداد ۱۴۰۳ تا اسفند ۱۴۰۳) که منجر به استیضاح و برکناری او شد، دوباره این شخص برای ریاست بانک مرکزی انتخاب شد.

نوبنیاد گزارش می‌دهد؛

تداوم صف طولانی وام ازدواج و وعده‌های تکراری

گزارش دیوان محاسبات کشور نشان می‌دهد سال گذشته ۴۱ درصدی متقاضیان وام ازدواج و فرزندآوری در صفوف انتظار باقی مانده‌اند. این در حالی است میزان مبلغ این وام طی دو سال گذشته برای کاهش صف این وام بدون تغییر مانده

ومنابع آن رشد ۷۳ درصدی را تجربه کرده است. با ورود قوه قضائیه و سازمان بازرسی کل کشور به تخلفات برخی بانک‌ها، انتظاری رود نظارت سخت‌گیرانه بانک مرکزی راه را برای تعیین تکلیف بیش از یک میلیون متقاضی جامانده هموار کند.



حمید کمار

روزنامه نگار

دیوان محاسبات کشور روز یکشنبه ۲۱ تیر، گزارش اعطای تسهیلات تکلیفی «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» در سال ۱۴۰۴ را منتشر کرد. طبق اعلام این نهاد، در بخش تسهیلات قرض الحسنه ازدواج، در سال گذشته از مجموع یک میلیون و ۵۵۵ هزار و ۳۸۶ متقاضی، به ۶۲۲ هزار و ۴۹۸ نفر بالغ بر ۲۰۹ هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداخت شده است. این گزارش نشان می‌دهد به دلیل عدم پیش‌بینی منابع متناسب با افزایش متقاضیان در سال‌های اخیر، همچنان ۴۱ درصد از واجدان شرایط در صف دریافت این تسهیلات قرار دارند. همچنین در بخش تسهیلات قرض الحسنه فرزندآوری، از مجموع ۹۳۶ هزار و ۲۷۳ متقاضی، به ۵۳۱ هزار و ۲۵۲ نفر در مجموع ۴۹ هزار میلیارد تومان پرداخت شده و ۴۳ درصد متقاضیان واجد شرایط، کماکان موفق به دریافت تسهیلات نشده‌اند. ارقام مذکور نشان می‌دهد صف دریافت وام ازدواج نه تنها برچیده نشده، بلکه میزان اعطای تسهیلات فاصله معناداری با حجم تقاضا دارد؛ مسئله‌ای که خروجی آن در قالب بی‌نصیب ماندن بیش از ۴۱ درصد متقاضیان نمود یافته است.

وعده بانک مرکزی برای کاهش صفوف انتظار

کمتراز دو ماه پیش بود که بانک مرکزی چارچوب پرداخت تسهیلات ازدواج و فرزندآوری را تعیین کرد. این بانک در تاریخ ۳۰ اردیبهشت، مبلغ کلی، سقف فردی و سهمیه هر بانک در سال جاری را به شبکه بانکی ابلاغ کرد. براین اساس، در سال جاری ۴۳۵ همت تسهیلات قرض الحسنه ازدواج و فرزندآوری پرداخت خواهد شد

که از این میزان، ۳۵۰ همت به ازدواج و ۸۵ همت به فرزندآوری اختصاص یافته است. در همین رابطه، سارا جلالی، معاون اداره عملیات اعتباری بانک مرکزی با اشاره به بودجه ۲۰۰ همتی سال گذشته اظهار داشت: این میزان با رشد ۷۵ درصدی در سال جاری به ۳۵۰ همت رسیده است که باعث می‌شود متقاضیان زمان کمتری در صف انتظار بمانند. انتظار می‌رود امسال بیش از یک میلیون نفر این تسهیلات را دریافت کنند.

آخرین وضعیت

عملکرد تسهیلات در سال ۱۴۰۵

بررسی‌های «نوبنیاد» نشان می‌دهد عملکرد تسهیلات ازدواج و فرزندآوری در سال ۱۴۰۵ و آخرین آمار افراد در صف به شرح زیر است: داده‌ها حاکی از آن است که از ابتدای سال ۱۴۰۵ تا روز ۴ تیرماه، به تعداد ۱۶۹ هزار و ۶۵۶ نفر، تسهیلاتی به مبلغ ۵۶۸ همت پرداخت شده است. با این حال، تا تاریخ مذکور ۵۷۲ هزار و ۳۱۶ نفر همچنان در صف دریافت وام ازدواج قرار دارند. یکی از دلایل اصلی طولی شدن این صفوف، عدم تناسب «سرجع منابع تسهیلات تکلیفی» با تعداد متقاضیان است. با این حال، در قانون بودجه سال ۱۴۰۵، منابع این بخش رشد قابل توجهی داشته است؛ به‌طوری‌که سهمیه ابلاغی ازدواج با ۴۵۰ همت، رشدی ۷۳ درصدی رانسبت به سال ۱۴۰۴ تجربه کرده است. در خصوص تسهیلات فرزندآوری، بررسی عملکرد بانک‌ها نشان می‌دهد تا تاریخ ۲۱ مردادماه، شبکه بانکی ۱۰۵ هزار و ۹۳۳ فقره تسهیلات به مبلغ ۹۸ همت پرداخت کرده است. با این حال، تعداد متقاضیان در صف این تسهیلات اکنون بالغ بر ۵۳۲ هزار نفر است. شایان ذکر است سهمیه فرزندآوری در سال ۱۴۰۵ بالغ بر ۸۵ همت ابلاغ شده که بیانگر رشد ۵۱ درصدی

نسبت به سال گذشته است. با توجه به ثابت ماندن مبلغ سقف فردی وام‌ها در سال جاری، پیش‌بینی می‌شود در صورت اعمال نظارت به موقع و مؤثر بانک مرکزی بر عملکرد شبکه بانکی و رعایت سهمیه‌های ابلاغی، علاوه بر کاهش دوره انتظار، تعداد افراد در صف نیز تا پایان سال روند کاهشی داشته باشد.

ورود قوه قضائیه به تخلفات بانکی

فاطمه محمدبیگی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس خرداد امسال اعلام کرد: براساس بررسی‌های انجام شده، یکی از بانک‌های عامل که تخلف آشکار داشته، به حوزه قضایی معرفی شده و توسط سازمان بازرسی کل کشور برای آن پرونده تشکیل شده است. همچنین با برخی مدیران متخلف برخورد قضایی صورت گرفته و قوه قضائیه به طور جدی به موضوع ورود کرده است. او افزود: مجلس، سازمان بازرسی و قوه قضائیه به‌صورت هم‌زمان به این موضوع ورود کرده‌اند و مانیز به عنوان عضو ناظر مجلس از طریق ستاد ملی جمعیت، پیگیری‌های لازم را انجام می‌دهیم.» وی با اشاره به آخرین گزارش بانک مرکزی تصریح کرد که با توجه به افزایش بیش از ۱۰۰ همتی منابع، باید اقدامات لازم برای کاهش صف متقاضیان تسریع شود. این نماینده مجلس یادآور شد: طبق برنامه‌ریزی‌ها، افرادی که در صف هستند و همچنین متقاضیانی که تا آبان ۱۴۰۵ ازدواج می‌کنند، نباید در صف باقی بمانند و وام خود را دریافت خواهند کرد. همچنین وضعیت افراد جامانده از سنوات گذشته نیز تعیین تکلیف می‌شود. وی اظهار داشت: هم‌اکنون در مجموع یک میلیون و ۱۹ هزار و ۳۰۸ نفر (شامل ۵۴۰ هزار نفر برای ازدواج و ۴۷۸ هزار نفر برای فرزندآوری) در انتظار دریافت این تسهیلات هستند.

نام بانک		ازدواج		فرزندآوری	
تعداد وام پرداختی	مبلغ پرداختی (ریال)	تعداد وام پرداختی	مبلغ پرداختی (ریال)	تعداد وام پرداختی	مبلغ پرداختی (ریال)
۱۶۹'۶۵۶	۵۸۸'۸۱۵'۷۰'۰۰۰'۰۰۰	۵۷۲'۳۱۶	۹۸۵'۴۱۵'۵۵۰'۰۰۰'۰۰۰	۱۰۵'۹۳۳	۵۳۲'۷۸۵
کل شبکه بانکی					

نبض بازار

احتمال کاهش تولید گوشت

اظهارات مسئولان تشکل‌های تولیدی تصویری متفاوت از وضعیت زنجیره تولید و توزیع ارائه می‌دهد؛ تصویری که از یک سواز نزدیک شدن کشور به خودکفایی در تولید گوشت و وجود ظرفیت مازاد در صنعت مرغداری حکایت دارد و از سوی دیگر، از بحران نقدینگی، زیان سنگین تولیدکنندگان و ناکارآمدی نظام توزیع پرده برمی‌دارد. فعالان این بخش هشدار می‌دهند اگر سیاست‌های حمایتی، تأمین سرمایه در گردش و سازوکار صادرات اصلاح نشود، تداوم زیان تولیدکنندگان می‌تواند به خروج بخشی از واحدهای تولیدی از چرخه فعالیت، کاهش عرضه و در نهایت جهش دوباره قیمت‌ها در بازار منجر شود. به اعتقاد آنها، فاصله قابل توجه میان قیمت تولید و قیمت مصرف، بیش از آنکه ناشی از هزینه‌های تولید باشد، ریشه در ساختار توزیع و سیاست‌گذاری‌های ناپایدار دارد؛ موضوعی که در صورت بی‌توجهی، امنیت غذایی کشور را نیز با چالش مواجه خواهد کرد.

ارسلان قاسمی، رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق تعاون ایران، اظهار کرد: ظرفیت تولید گوشت مرغ در کشور به ۳۰۲ میلیون تن رسیده، اما تولید به اندازه این ظرفیت انجام نمی‌شود. وی افزود: سالانه حدود ۹۰۰ هزار تن گوشت قرمز در کشور تولید می‌شود و فاصله اندکی تا خودکفایی کامل وجود دارد که در صورت حمایت دولت از بخش تولید، این هدف قابل دستیابی خواهد بود. قاسمی، علت اصلی گرانی گوشت در بازار را ناکارآمدی نظام توزیع دانست و گفت: تولیدکننده محصول خود را با قیمت واقعی عرضه می‌کند، اما اشکال در شبکه توزیع و بازار باعث می‌شود گوشت با قیمت‌های بالاتری به دست مصرف‌کننده برسد.

افشین دادرس، مدیرعامل اتحادیه دامداران، نیز با اشاره به مشکلات نقدینگی دامداران گفت: سامانه «پالیز» بانک کشاورزی نتوانسته نقش مؤثری در تأمین سرمایه در گردش دامداران ایفا کند و این بخش همچنان با کمبود منابع مالی مواجه است. وی درباره اختلاف قیمت دام زنده و گوشت در بازار بیان کرد: دامدار، دام زنده را در شهرستان‌ها با قیمت هر کیلوگرم ۶۸۰ هزار تومان و در تهران حدود ۷۲۰ هزار تومان می‌فروشد. براین اساس، قیمت تمام‌شده گوشت گوسفندی درب کشتارگاه حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است، اما همین گوشت در بازار تا دو میلیون تومان در هر کیلوگرم عرضه می‌شود که نشان‌دهنده فاصله قابل توجه قیمت از تولید تا مصرف است.

حبیب اسدالله‌زاد، مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی، با بیان اینکه ظرفیت جوجه‌ریزی کشور به بیش از ۱۷۰ میلیون قطعه در ماه رسیده است، گفت: این ظرفیت امکان تولید بیش از سه میلیون تن گوشت مرغ در سال را فراهم کرده، اما نیاز واقعی بازار پس از اصلاح نظام یارانه‌ها کاهش یافته است. وی ادامه داد: برای تأمین نیاز کشور، جوجه‌ریزی حدود ۱۲۰ میلیون قطعه در ماه کافی است، در حالی که در خردادماه حدود ۱۳۷ میلیون قطعه جوجه‌ریزی انجام شد و حداقل ۲۰ میلیون قطعه مازاد بر نیاز بازار تولید شده است. اسدالله‌زاد با اشاره به زیان سنگین تولیدکنندگان اظهار کرد: قیمت تمام‌شده هر کیلوگرم مرغ زنده حدود ۲۸۰ هزار تومان است، اما این محصول در استان‌های مختلف بین ۱۹۰ تا ۲۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد و مرغداران به ازای هر کیلوگرم مرغ زنده بین ۶۰ تا ۷۰ هزار تومان زیان می‌دهند.

وی هشدار داد تداوم این شرایط می‌تواند موجب خروج تولیدکنندگان از چرخه تولید، کاهش تولید و در نهایت افزایش قیمت مرغ در آینده شود. مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی با اشاره به صدور مجوز صادرات ۱۰ هزار تن مرغ گفت: این میزان پاسخگوی مازاد تولید نیست و صادرات باید به‌صورت مستمر و پایدار دنبال شود تا امکان بلندمدت فراهم شود. اسدالله‌زاد تأکید کرد: در ۲۵ روز گذشته مرغداران کشور بیش از ۱۴ هزار میلیارد تومان زیان دیده‌اند و لازم است سیاست‌های دولت به گونه‌ای باشد که خسارت‌های ناشی از تصمیمات دولتی که تولیدکنندگان در آن نقشی ندارند، به حداقل برسد.

بانک‌ها حق ندارند وام ازدواج را عقب بیندازند

سیدمحسن موسوی‌زاده، نماینده مجلس: در قانون بودجه سال ۱۴۰۵، منابع قابل توجهی برای پرداخت تسهیلات قرض الحسنه ازدواج و فرزندآوری در نظر گرفته شده است و بر این اساس، بانک‌ها مکلف‌اند اعطای این تسهیلات را در اولویت قرار دهند. تسهیلات ازدواج از محل سپرده‌های قرض الحسنه شبکه بانکی تأمین می‌شود؛ لذا زمانی که قانون‌گذار منابع مشخصی را برای این موضوع پیش‌بینی کرده است، دیگر پذیرفتنی نیست که زوج‌های جوان ماه‌ها در صف انتظار باقی بمانند یا با موانع اداری و سخت‌گیری‌های خارج از ضابطه مواجه شوند. تأخیر در پرداخت این تسهیلات، عملاً بخشی از سیاست‌های حمایتی کشور در حوزه ازدواج و جوانی جمعیت را با چالش مواجه می‌کند.

یادداشت

شکاف میان جمهوری خواهان

احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

براساس گزارش پولیتیکو، جمهوری خواهان بیم آن دارند که سرنوشت سیاسی آنان برای ترامپ ذره‌ای اهمیت نداشته باشد «اما ازسرگیری اخیر درگیری‌ها با ایران به خصوص ناامنی در تنگه هرمز، خطرات اقتصادی‌ای را به همراه دارد که برخی از نمایندگان جمهوری خواه در معرض انتخاب مجدد نگران‌اند ممکن است در ماه نوامبر به ضررشان تمام شود؛ از جمله افزایش قیمت بنزین در شلوغ‌ترین فصل سفر سال. آن‌ها همچنین نگران‌اند که در حالی که چرخه جنگ و صلح شکننده ادامه پیدا می‌کند، رئیس‌جمهور اهمیت چندانی برای سرنوشت سیاسی آن‌ها قائل نباشد».

به باور بسیاری از آنان، این وضعیت بازگشت به یک آشفتگی است «این همان وضعیت نامطمئن و بدون پیشرفت روشنی است که بسیاری از جمهوری خواهان، از جمله معاون رئیس‌جمهور، جی دی ونس، بیم داشتند به آن برسند. مشکل این است که آن‌ها اکنون دوباره به همان نقطه‌ای بازگشته‌اند که چند ماه پیش در آن قرار داشتند. متیو بارتلت، راهبرپرداز جمهوری خواه و مقام پیشین وزارت خارجه در دولت اول ترامپ، گفت: «به نظر می‌رسد ما دقیقاً به همان وضعیت بسیار دشوار و پیچیده بازگشته‌ایم؛ یا باید با جنگی فزاینده روبه‌رو شویم یا وارد مذاکره‌ای طولانی و دردناک شویم. ما کاملاً فاقد پیام اقتصادی هستیم و اکنون یک پیام بین‌المللی آشفته و درهم‌ریخته هم داریم.»

پولیتیکو استدلال می‌کند که شکاف میان جمهوری خواهان از همیشه آشکارتر است «شکاف‌ها در دیوار حمایت جمهوری خواهان از ترامپ آشکارتر شده است، هر چند رئیس‌جمهور همچنان نفوذ قابل توجهی بر حزب دارد. مجلس نمایندگان و سنا هر دو ماه گذشته قطعنامه‌ای را برای توقف عملیات نظامی علیه ایران تصویب کردند که شماری از جمهوری خواهان نیز از آن حمایت کردند؛ اقدامی نمادین، اما همچنان از نظر سیاسی ضربه‌ای زیان‌بار به رئیس‌جمهور محسوب می‌شد. حتی برخی از قانون‌گذاران جمهوری خواه که با تلاش‌ها برای محدود کردن اختیارات جنگی ترامپ مخالفت کرده‌اند، استدلال کرده‌اند که کاخ سفید باید پیش از ازسرگیری یک کارزار نظامی تمام‌عیار علیه تهران، تأیید کنگره را دریافت کند».

محل درگیری دیگری که شقاق را نشان می‌دهد، مسئله بودجه نظامی است «همچنین نبردی تلخ بر سر تأمین بودجه جنگ در حال شکل‌گیری است. جمهوری خواهان و دموکرات‌های عضو کمیته تخصیص بودجه مجلس نمایندگان، هفته گذشته مقام‌های پنتاگون را به دلیل نبود جزئیات درباره نحوه هزینه‌کرد ۶۷ میلیارد دلار بودجه تکمیلی درخواستی دولت برای جنگ، مورد بازخواست قرار دادند. اما جریان گسترده‌تر حزب جمهوری خواه در کنگره همچنان درباره مسیر پیش‌رو دچار اختلاف است. برخی جمهوری خواهان تندروتر از رئیس‌جمهور می‌خواهند یک کارزار نظامی گسترده را ادامه دهد تا توانمندی نظامی تهران نابود و تنگه هرمز با زور بازگشایی شود».

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

دوست بزرگ اسرائیل به جهنم رفت

گراهام با هماهنگی لابی آپیک، در تصویب قوانین ضد جنبش تحریم رژیم صهیونیستی (BDS) نقش فعالی داشت و همواره از دولت آمریکا می‌خواست بدون هیچ پیش‌شرطی، تمام نیازهای نظامی و امنیتی تل‌آویو را تأمین کند. نزدیکی شخصی او با نتانیاهو نیز باعث شده بود نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بارها از او با عنوان «دوست بزرگ اسرائیل» یاد کند.

خبرگزاری‌های غربی اعلام کردند دفتر «لیندزی گراهام» سناتور جمهوری خواه ایالت کارولینای جنوبی، با انتشار بیانیه‌ای از مرگ وی خبر داده است. در این بیانیه آمده است: «سناتور لیندزی گراهام شامگاه شنبه ۱۱ ژوئیه، بر اثر یک بیماری کوتاه و ناگهانی درگذشت». گراهام در سال‌های اخیر به یکی از شاخص‌ترین چهره‌های جریان موسوم به جنگ طلب در واشنگتن تبدیل شده بود. او در اغلب پرونده‌های مهم سیاست خارجی آمریکا، از عراق و افغانستان گرفته تا ایران و فلسطین، راه‌حل نظامی و سخت‌ترین فشارها را ترجیح می‌داد و همواره خواستار افزایش فشار بر کشورهای مستقل بود. از همین رو، مرگ او تنها پایان زندگی یک سناتور آمریکایی نیست، بلکه پایان فعالیت سیاسی فردی است که دشمنی با جمهوری اسلامی ایران را به یکی از محورهای اصلی کارنامه خود تبدیل کرده بود و همه را به گور برد.

عزاداری تل‌آویو برای مهم‌ترین حامی خود در کنگره

واکنش مقامات رژیم صهیونیستی به مرگ گراهام، بیش از هر چیز جایگاه واقعی او را در معادلات تل‌آویو آشکار کرد. «یسرائیل کاتس» وزیر جنگ رژیم صهیونیستی در پیامی، گراهام را «دوستی واقعی برای اسرائیل» و «یکی از سرسخت‌ترین و استوارترین حامیان» این رژیم توصیف کرد و مدعی شد او در دشوارترین مقاطع کنار تل‌آویو ایستاد و برای تقویت اتحاد راهبردی آمریکا و اسرائیل تلاش کرد. اما دامنه این واکنش‌ها تنها به کاتس محدود نماند. نتانیاهو اعلام کرد که «اسرائیل بهترین دوست خود را در آمریکا از دست داد». اسحاق هرترزوک، رئیس رژیم منحوس صهیونیستی، نیز از

پرونده یکی از سرسخت‌ترین دشمنان ایران با مرگ مشکوک بسته شد

مرگ ناگهانی سناتور ضد ایرانی

مرگ ناگهانی «لیندزی گراهام» سناتور جمهوری خواه آمریکا، پرونده یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های جنگ طلب و ضدایرانی واشنگتن را بست؛ سیاستمداری که بیش از دودسته حضور در کنگره را صرف حمایت از جنگ، تحریم و فشار علیه ملت‌های مستقل، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران، کرد و در سال‌های اخیر به یکی از اصلی‌ترین حامیان تجاوزات رژیم صهیونیستی و طراحان تشدید فشار علیه تهران تبدیل شده بود. واکنش کم‌سابقه مقامات صهیونیست به مرگ او، بیش از هر چیز نشان داد که تل‌آویو یکی از مؤثرترین مهره‌های خود را در ساختار قدرت آمریکا از دست داده است.

می‌دانست. الگویی که بر نابودی کامل زیرساخت‌های هسته‌ای استوار بود. مواضع ضدایرانی او تنها به این موارد محدود نمی‌شد. گراهام از حمله به زیرساخت‌های انرژی ایران حمایت کرده و حتی گفته بود که با سقوط جمهوری اسلامی، «پول زیادی نصیب آمریکا خواهد شد». این سخنان، تصویری روشن از نگاه منفعت‌طلبانه و مداخله‌جویانه بخشی از سیاستمداران آمریکایی نسبت به ایران ارائه می‌داد. در بهمن‌ماه سال گذشته نیز او با حضور در تجمع گروه‌های ضدانقلاب در مونیخ، با برسرگذاشتن کلاه «(Make)» (Iran Great Again) آشکارا از پروژه براندازی جمهوری اسلامی حمایت کرد و مدعی شد نظام جمهوری اسلامی به‌زودی سقوط خواهد کرد. آرزویی که هرگز محقق نشد و اکنون خود او از صحنه زندگی رذیلانه خود کنار رفت و آن‌آرزوها را با خود به گور برد.

واکنش‌های متفاوت به مرگ گراهام

مرگ سناتور جمهوری خواه آمریکا، واکنش‌های متفاوتی در جهان به همراه داشت. دکتر حمود النوفلی، دانشیار دانشگاه سلطان قابوس عمان، در پیامی این رخداد را به مردم غزه و مخالفان صهیونیسم تبریک گفت و آن را «نشانه‌ای از عدالت الهی درباره ظالمان» توصیف کرد.

جکسون هینکل، فعال رسانه‌ای آمریکایی، نیز نوشت: «لیندزی گراهام تمام عمرش را صرف فروختن روحش در برابر پول کرد. همه قدرت و ثروتش را پشت سرگذاشت و اکنون تنها اعمالش باقی مانده است.»

دکتر عمر سلیمان، نویسنده مسلمان آمریکایی، نیز با یادآوری حمایت گراهام از ویرانی غزه، نوشت: «خدا حافظ لیندزی؛ امیدوارم برای ویرانی‌هایی که در غزه به ایجادشان کمک کردی، تا ابد در ویرانی به‌سربری.»

آرزوهایی که به سرانجام نرسید

لیندزی گراهام در تمام سال‌های فعالیت سیاسی خود، از تحریم، فشار اقتصادی، حمله نظامی و براندازی جمهوری اسلامی حمایت کرد و بارها مدعی شد نظام جمهوری اسلامی به‌زودی سقوط خواهد کرد. اما اکنون، در حالی پرونده سیاسی او بسته شده که نه تنها این آرزوها محقق نشده، بلکه خود او زمانی که ایران در اوج قدرت است و مقابل آمریکا قد علم کرده است، زندگی پستش به پایان رسید.

شکسته شدن قلبش در پی مرگ «دوست قدیمی» خود، سخن گفت. نفتالی بنت، ایتمار بن گویرو دیگر مقامات صهیونیست نیز گراهام را بزرگ‌ترین حامی اسرائیل در واشنگتن خواندند.

رسانه‌های عبری نیز گزارش دادند که نتانیاهو در حال بررسی سفر به ایالت کارولینای جنوبی برای شرکت در مراسم تشییع جنازه گراهام است. سفری که در صورت انجام، می‌تواند با دیدار وی با رئیس‌جمهور آمریکا نیز همراه باشد. این حجم از واکنش‌ها به خوبی نشان می‌دهد که تل‌آویو یکی از مؤثرترین لابی‌گران خود در ساختار سیاسی آمریکا را از دست داده است.

لابی گر تمام‌عیار صهیونیسم

کارنامه سیاسی گراهام نشان می‌دهد که حمایت از رژیم صهیونیستی، صرفاً یک موضع سیاسی نبود، بلکه به بخشی جدایی‌ناپذیر از فعالیت او در کنگره تبدیل شده بود. او از اصلی‌ترین مدافعان اختصاص میلیارد‌ها دلار کمک نظامی آمریکا به تل‌آویو، تقویت سامانه «گنبد آهنین» و تصویب بسته‌های اضطراری حمایت مالی از رژیم صهیونیستی بود. گراهام همچنین با هماهنگی لابی آپیک، در تصویب قوانین ضد جنبش تحریم رژیم صهیونیستی (BDS) نقش فعالی داشت و همواره از دولت آمریکا می‌خواست بدون هیچ پیش‌شرطی، تمام نیازهای نظامی و امنیتی تل‌آویو را تأمین کند. نزدیکی شخصی او با نتانیاهو نیز باعث شده بود نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بارها از او با عنوان «دوست بزرگ اسرائیل» یاد کند.

دشمنی آشکار با ملت ایران اسلامی

برای افکار عمومی ایران، نام لیندزی گراهام بیش از هر چیز با تهدید، تحریم و دعوت به حمله نظامی شناخته می‌شود. او پس از خروج دولت ترامپ از برجام، از مهم‌ترین حامیان سیاست «فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی بود و بارها خواستار به صفر رساندن صادرات نفت ایران، تشدید تحریم‌های بانکی و حفظ گزینه نظامی روی میز شد.

گراهام در سال‌های اخیر بارها اعلام کرد که آمریکا و رژیم صهیونیستی باید تأسیسات هسته‌ای ایران را هدف قرار دهند. او حتی الگوی خلع سلاح لیبی را نسخه مطلوب برای ایران

یادداشت

دیپلماسی روی ابرها

علیرضا تسلیمی
روزنامه‌نگار

گاهی سکوت، مؤدبانه‌ترین واکنش در برابر برخی اظهارات است؛ اما وقتی سخن از امنیت ملی و عزت کشور است، سکوت جایز نیست. موضع‌گیری اخیر نماینده ایران در سازمان ملل درباره «تداوم نقض تعهدات» در تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، بیش از آنکه یک مانور دیپلماتیک باشد، زنگ خطری است برای یک «خواب‌زدگی استراتژیک» در وزارت خارجه.

ترامپ هفته گذشته، نه با بیانیه و نامه، بلکه با عمل، آن تفاهم‌نامه را پاره کرد. دشمنی که نه تنها آن متن را زیر پا گذاشت، بلکه در ۱۷ و ۱۸ تیرماه با گسیل آتش به مرزهای ما، پیامی فراتر از هرگونه دیپلماسی مخابره کرد، اکنون در جایگاه فاتح میدان خودساخته‌اش نشسته است. در چنین وضعیتی، سخن گفتن مقامات وزارت خارجه از «نقض تعهدات» و هشدار دادن به طرفی که اساساً بازی را برهم زده، نه تنها مضحک است، بلکه نشان دهنده یک شکاف عمیق میان تحلیل‌های پشت میز نشینان با واقعیت‌های کف خیابان است.

آقایان در وزارت خارجه هنوز با تقویم هفته پیش زندگی می‌کنند یا شاید اساساً متوجه نشده‌اند که «تفاهم‌نامه» ای در کار نیست؟ وقتی طرف مقابل تفاهم را به زبانه‌دان تاریخ انداخته، صحبت از «پایبندی ایران به تعهدات» در آینده، ترجمانی جز «انفعال» ندارد. این چه نوع دیپلماسی است که وقتی دشمن با موشک پاسخ می‌دهد، ما هنوز در جستجوی عبارات حقوقی برای اثبات نقض تفاهم‌نامه هستیم؟

واقعیت تلخ این است که آنچه «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» نامیده شد، از ابتدا چیزی جز یک «سوء تفاهم» بزرگ نبود. اصرار بر زنده نگه داشتن یک متن مرده، نه زرنگی سیاسی، که خودفریبی است. آمریکا نشان داده که هرگز به هیچ سندی پایبند نبوده و نخواهد بود. تداوم ادبیات «هشدار و انذار» به کسی که دستش به خون فرزندان این مرز و بوم آلوده شده، نشان دهنده نبود درک صحیح از صحنه نبرد است.

وزارت خارجه باید از این خواب‌زدگی دیپلماتیک بیدار شود. دوران «نامه نوشتن» و «پاییش نقض تفاهم» سپری شده است. دشمن نه زبان مذاکره می‌فهمد و نه حرمت تفاهم نگه می‌دارد. اگر دستگاه سیاست خارجی به جای بازگشت به واقعیت و اتخاذ موضع مقتدرانه، همچنان به دنبال احیای جسد این تفاهم‌نامه باشد، باید گفت که بحران اصلی نه در آن سوی مرزها، که در اتاق‌های فکر خود ماست.

در نهایت، نباید فراموش کرد که در معادلات قدرت، متن تنها زمانی اعتبار دارد که پشت آن قدرت ایستاده باشد. تکیه بر مفاد حقوقی توافقاتی که با آتش زیر پا رفته‌اند، نه تنها بازدارندگی ما را تقویت نمی‌کند، بلکه به دشمن اجازه می‌دهد با اطمینان خاطر بیشتری به نقض حاکمیت ما ادامه دهد. اگر دیپلماسی ما از واقعیت میدان عقب بماند، تنها به یک توجیه کلامی برای شکست‌های راهبردی بدل خواهد شد.

هرمز؛ اهرم
بازدارندگی ایران

تلاش آمریکا و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس برای بی‌اثر کردن حاکمیت ایران در تنگه هرمز، تلاشی برای سلب مهم‌ترین اهرم بازدارندگی ایران در برابر سیاست تحریم، تهدید و فشار است. هرمز امروز مصداق ظرفیتی است که هر اقدام خصمانه علیه ایران را برای آمریکا و متحدانش پرهزینه می‌کند. بنابراین نباید با عقب‌نشینی‌های سیاسی و دیپلماسی التماسی و ناشی از ترس از دست برد.

همزمان با تلاش آمریکا برای به رسمیت شناختن کریدور میانی، غرب‌گرایان داخلی مشغول تئوریزه کردن این ادعا هستند که نباید بر کنترل تنگه هرمز اصرار ورزید

بازگشت به سنت ساده‌لوحی!

بر بی‌اثر کردن حاکمیت عملی ایران بر هرمز، بیش از هر چیز با هدف خنثی‌سازی مهم‌ترین ابزار فشار متقابل تهران در برابر سیاست تحریم، تهدید و تجاوز صورت می‌گیرد. جالب آنکه برخی در داخل نیز همین هدف را دنبال می‌کنند.

محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

را هدف قرار داد و سپاه با اعلام بسته شدن کامل تنگه هرمز و گسترش عملیات علیه پایگاه‌های آمریکا در منطقه، پیام روشنی به طرف‌های مقابل ارسال کرد.

در چنین شرایطی، بار دیگر برخی محافل داخلی معتقدند که اساساً چه ضرورتی برای اصرار بر حاکمیت عملی ایران بر تنگه هرمز وجود دارد. عجیب‌تر آنکه برخی افراد همان نسخه قدیمی عقب‌نشینی را تجویز می‌کنند. ناصر هادیان استاد بازنشسته روابط بین‌الملل در دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «انتخاب» رسانه نزدیک به محمد جواد ظریف مدعی شده است که ایران نباید وارد مدیریت تنگه شود و این موضوع فقط برای کشور دردسر ایجاد می‌کند!

این نگاه، ادامه همان ساده‌لوحی راهبردی جریانی است که شاهکار آن برج‌ام بود؛ توافقی که ایران تقریباً همه تعهدات سنگین خود را در آن انجام داد اما آمریکا بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای از توافق خارج شد. اکنون همان تفکر می‌خواهد مهم‌ترین اهرم ژئوپلیتیکی ایران را نیز به بهانه جلوگیری از حساسیت دیگران

تلاش آمریکا برای اخلال در مدیریت ایرانی تنگه هرمز و نقض بند پنجم تفاهم‌نامه پایان جنگ، منشأ اصلی تنش‌ها در روزهای اخیر بود. واشنگتن به همراه قطر، عمان و برخی دولت‌های عربی، به جای اجرای سازوکار توافق شده برای بازگشایی تنگه با ترتیبات مورد قبول ایران، کریدور جنوبی عمانی را فعال کردند؛ اقدامی که با واکنش سپاه و هدف قرار گرفتن شناورهای متخلف همراه شد. در ادامه سنت‌کام مناطقی در جنوب ایران را هدف قرار داد و ایران نیز پاسخ خود را با حمله به اهدافی در کویت، بحرین و اردن، عمان و امارات داد. هزمان مذاکرات غیرمستقیم در عمان نیز به نتیجه نرسید، زیرا تهران بر حفظ حاکمیت خود بر تنگه هرمز تأکید داشت، اما عمان با حمایت آمریکا و قطر برداشتی شدن کریدور جعلی اصرار کرد. بارد این پیشنهاد از سوی ایران، آمریکا بار دیگر عبور شناورها از این مسیر را از سر گرفت که با پاسخ نظامی ایران مواجه شد. در ادامه نیز آمریکا جنوب ایران

سیاست خارجی

جمشیدی: مذاکره با آمریکا در خصوص تنگه هرمز اشتباه بود

دکتر محمد جمشیدی، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران و معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور در دولت شهید آیت‌الله رئیسی، اظهار داشت: واشنگتن تلاش می‌کند با تقویت یک جریان در داخل ایران و گفتمان‌سازی در حوزه سیاست خارجی، دو امتیاز اصلی یعنی تنگه هرمز و موضوع هسته‌ای را از ایران بگیرد؛ دو اهرمی که معادله جنگ را تغییر داده‌اند. آمریکا برای دستیابی به این اهداف، با طرح وعده‌های جذاب و ارائه تصویری امیدوارکننده، تلاش می‌کند ایران را وارد مسیری کند که بازگشت از آن به سادگی امکان‌پذیر نباشد.

جمشیدی همچنین با انتقاد از مذاکره با آمریکا درباره تنگه هرمز گفت: آمریکا کشوری است که به ایران حمله کرده، مرتکب جنایت شده، به دنبال تغییر رژیم بوده و رهبری را ترور کرده است. به گفته وی، ورود به گفت‌وگو درباره تنگه هرمز، نقش آمریکا را از یک متجاوز به بازیگری که مدعی بازگشایی یک آبراه بین‌المللی است، تغییر می‌دهد. ما نباید

این موضوع را بپذیریم. اساساً نباید با آمریکا درباره تنگه هرمز گفت‌وگو کنیم.

وی با تأکید بر اینکه باید به ماهیت هر توافق توجه داشت، تصریح کرد: آمریکا به دنبال امتیاز دادن نیست، بلکه از نگاه واشنگتن جنگ پایان نیافته و هدف آن، گرفتن اهرم‌های اصلی قدرت ایران در فرآیند مذاکره برای مؤثرتر کردن جنگ بعدی است.



یادداشت

کارنامه‌ها را با یک قاب قضاوت نکنیم

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

ماجرای شعارهای مبتنی بر انتقام از قاتلین رهبر شهید توسط مردم در مراسم تشییع مشهد و حواشی ایجادشده پیرامون عملکرد مهدی رسولی، بار دیگر نشان داد که فضای پرتنش چقدر سریع از یک اتفاق چندثانیه‌ای، روایتی قطعی می‌سازد. روایتی که گاهی با واقعیت فاصله دارد و بیش از آنکه برشواهد استوار باشد، برنیت خوانی تکیه می‌کند. تردیدی نیست که مطالبه خون‌خواهی و انتقام، مطالبه‌ای بود که از دل احساسات و باورهای مردم برخاست و کسی نمی‌تواند اصل این مطالبه را انکار کند. طبیعی است که هر اقدامی که شائبه محدود کردن این شعارها را ایجاد کند، حساسیت‌هایی را نیز به دنبال داشته باشد. اما آیا می‌توان با قاطعیت گفت مهدی رسولی قصد خاموش کردن صدای مردم یا تغییر جهت شعارها به نفع جریان یا شخص خاصی را داشته است؟ پاسخ، منفی است.

اگر قرار باشد درباره نیت افراد قضاوت کنیم، پیش از هر چیز باید به کارنامه آنان رجوع کنیم. کارنامه مهدی رسولی نشان می‌دهد او سال‌هاست خود را سربراز رهبر انقلاب می‌داند و در همین مسیر حرکت کرده است. مداحی‌های حماسی، روضه‌های درخشان و حضور مؤثر در بزنگاه‌های انقلاب، تصویری روشن از مسیر فکری او ارائه می‌دهد؛ مسیری که با نسبت دادن چنین انگیزه‌هایی سازگار نیست.

از سوی دیگر، رسولی پس از درک حساسیت ایجادشده، در کوتاه‌ترین زمان ممکن موضع خود را اصلاح و همراهی‌اش با مطالبه مردم را آشکار کرد. همین رفتار، بهترین شاهد است که ما اجرا بیش از آنکه ناشی از قصد و نیت باشد، محصول یک تصمیم لحظه‌ای برای مدیریت فضای مراسم بوده است.

نباید فراموش کنیم که مهدی رسولی در روزهای دشوار، به‌ویژه در ایام جنگ، از مداحانی بود که با زبان هنر و حماسه، در تقویت روحیه مردم و جبهه انقلاب نقش مؤثری ایفا کرد. چنین سرمایه‌هایی را نباید با یک سوءبرداشت یا یک اتفاق محدود از دایره اعتماد خارج کرد.

نقد منصفانه حق مردم است؛ اما انصاف نیز اقتضا می‌کند که یک لحظه را جایگزین یک عمر خدمت نکنیم.

سینما، تلویزیون و پلتفرم با وجود برخورداری از امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری همچنان دین خود را به رهبران انقلاب اسلامی ادا نکرده‌اند

جای روایت امامین انقلاب در سینما و تلویزیون خالی است

و زمین» یا اپیزود «۹:۴۰» در سریال «سرو، سپید، سرخ» ساخته امیرعباس ریعی و فیلم اکران‌نشده «فرزند صبح» تنها قطره‌ای در برابر خروشی از حماسه‌ها و رازهای نهفته در زندگی این دو بزرگ سفرکرده‌اند. در عصر جنگ نرم که روایت‌ها پرده‌ها حاکم می‌شوند، خلاء این روایت‌های هنری به‌شدت احساس می‌شود و سکوت در این میدان جز واگذاری میدان به دشمن نیست.



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

وقتی از سینما و تلویزیون به عنوان «هنر هفتم» و قدرتمندترین ابزار انتقال پیام به خلق یاد می‌کنیم، نباید از نقش بی‌بدیل آن در «جنگ نرم» غافل شویم. امروزه میدان نبرد، از خاکریزها و سنگرهای نبرد به ذهن و قلب مخاطبان منتقل شده است و هر کس که روایت قوی‌تر و جذاب‌تری داشته باشد، بر این میدان مسلط است. زندگی پرفراز و نشیب امام خمینی (ره) از دوران کودکی در روستای خمین و سال‌های تبعید در ترکیه، عراق و فرانسه تا لحظه تاریخی بازگشت و اقدام انقلابی در جهت تاسیس جمهوری اسلامی و همچنین حیات پرپرکت قائد شهید، امام‌خامنه‌ای از مبارزات در مشهد و زندان‌های ساواک گرفته تا سال‌های رهبری در پرتلاطم‌ترین دوران‌های داخلی و بین‌المللی، سرشار از درام، تعلیق، عشق، بصیرت و ایستادگی است.

اما چرا باید در ساخت آثار نمایشی درباره این دو شخصیت عظیم‌الشان پیشگام بود و از هیچ تلاشی فروگذار نکرد؟ نخست آنکه شخصیت‌پردازی این دو رهبر بزرگوار در قالب فیلم و سریال، اندیشه‌های بلند و استراتژیک آنان را به زبانی هنری، ملموس و قابل فهم برای نسل جوان ترجمه می‌کند. نسل امروز که با ادبیات خشک تاریخی ارتباط کمتری برقرار می‌کند، با تماشای یک سریال جذاب می‌تواند عمق فداکاری‌ها، تنهایی‌ها و شجاعت‌های این دو بزرگوار را درک کند. دوم آنکه دشمنان نظام اسلامی در دهه‌های گذشته با بهره‌گیری از شبکه‌های ماهواره‌ای، جشنواره‌های مضمون‌زده و سینمای تجاری مشغول تحریف چهره این

یادداشت

خوارزمی؛

فوق ستاره تمدن اسلامی

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

۲۲ تیر روز بزرگداشت خوارزمی است. محمد بن موسی خوارزمی یکی از برجسته‌ترین چهره‌های تمدن اسلامی و از نامدارترین دانشمندان تاریخ ایران و جهان به شمار می‌آید. هرچند شهرت او بیشتر به دلیل دستاوردهای علمی‌اش در ریاضیات، نجوم و جغرافیاست، اما اهمیت خوارزمی تنها به حوزه علم محدود نمی‌شود؛ او از نظر فرهنگی نیز نمادی از شکوفایی خرد، دانایی و بالندگی تمدن ایرانی-اسلامی است. نام خوارزمی یادآور دوره‌ای است که در آن دانش، ترجمه، تحقیق و گفت‌وگوی فرهنگی در جهان اسلام رونق فراوان داشت و دانشمندان توانستند با بهره‌گیری از میراث تمدن‌های گوناگون، دانشی تازه و اثرگذار پدید آورند.

اهمیت فرهنگی خوارزمی از چند جهت قابل توجه است. نخست آن که او نماینده جایگاه والای علم در فرهنگ ایرانی و اسلامی است. در روزگاری که مراکز علمی مانند بیت‌الحکمه در بغداد محل گرد همایی اندیشمندان بود، خوارزمی نشان داد که دانشمند می‌تواند نقشی فراتر از آموزش و پژوهش داشته باشد.

و به یکی از سازندگان هویت فرهنگی یک تمدن تبدیل شود. از این منظر، او فقط یک ریاضی‌دان نیست، بلکه نماد احترام به عقل، نظم فکری و جست‌وجوی حقیقت است.

دوم آن که خوارزمی حلقه‌ای مهم در انتقال فرهنگی میان تمدن‌ها به شمار می‌رود. آثار او در سده‌های بعد به زبان‌های دیگر، به‌ویژه لاتین، ترجمه شد و از این راه بر فرهنگ علمی اروپا نیز اثر گذاشت. این موضوع نشان می‌دهد که فرهنگ ایرانی-اسلامی در آن دوره فرهنگی بسته و منزوی نبود، بلکه توان تعامل، تولید و انتقال دانش را در سطح جهانی داشت. بنابراین، خوارزمی را می‌توان یکی از چهره‌های پیوند دهنده شرق و غرب دانست.

از جنبه هویتی نیز خوارزمی برای ایرانیان اهمیت ویژه‌ای دارد. او از دانشمندانی است که نامشان با افتخار علمی و فرهنگی این سرزمین گره خورده است.

حضور نام او در کتاب‌های درسی، دانشگاه‌ها، جشنواره‌های علمی و حافظه عمومی جهان، بیانگر آن است که خوارزمی تنها یک شخصیت تاریخی نیست، بلکه بخشی از سرمایه نمادین و فرهنگی ماست.



شبکه نمایش خانگی در روزهای پیش‌رو با بازگشت سه عنوان شناخته‌شده، روزهای پرتحرکی را تجربه خواهد کرد. سریال‌های «کنکل» و «بامداد خمار» در کنار فصل تازه رئالیتی‌شوی «شفرونی» قرار است دوباره مخاطبان را پای

پلتفرم‌های نمایش خانگی بنشانند. «کنکل» که پس از تعطیلی پلتفرم منتشرکننده، انتشارش نیمه‌تمام مانده بود، اکنون به فیلمی منتقل شده و پس از پایان پخش «کلاغ»، بازنشر ۱۳ قسمت نخست و سپس چهار قسمت پایانی آن آغاز خواهد شد تا پرونده این مجموعه سرانجام بسته شود. از سوی دیگر، فصل دوم «بامداد خمار» نیز پس از پنج ماه وقفه، از ۲۲ تیرماه روی پلتفرم شیدای می‌رود. سازندگان اعلام کرده‌اند داستان فصل جدید بدون هیچ پرش زمانی، ادامه مستقیم اتفاقات فصل نخست خواهد بود.

همچنین فصل دوم رئالیتی‌شوی «شفرونی» با اجرای نیما شعبان‌نژاد و با عنوان «فصل ایران» منتشر می‌شود. این برنامه که در فصل نخست به فرهنگ غذایی کشورهای مختلف پرداخته بود، این بار با سفر به استان‌های مختلف ایران و چالش‌های تازه، راهی شبکه نمایش خانگی خواهد شد.



بازگشت سه

عنوان پرمخاطب

به شبکه نمایش

خانگی